

الهیات و زندگی روزمره

نویسنده: درک دابلیو. اچ. توماس

ویلیام پرکینز که پیوریتن بود تعریف مشهوری از الهیات دارد: «علم زندگی پر برکت ابدی». ویلیام ایمز، همعصر او، به تقلید از وی الهیات را «علم زیستن برای خداوند» نامید. از آنجا که زیستن برای خداوند نزد تمامی مسیحیان وظیفه و لذت به شمار می‌رود، پس هر مسیحی باید یک الهیدان باشد، آن هم یک الهیدان خوب. ارتباط میان الهیات و زندگی روزمره به وضوح در سه مثال زیر که برگرفته از پولس است مشاهده می‌شود.

نخست، در فیلیپی. در کلیسای فیلیپی از دو زن نام برده می‌شود که مشغول مشاجره‌اند و پولس احساس می‌کند که باید به این موضوع بپردازد (فیلیپیان ۴: ۲). آنجا که فرشتگان از وارد شدن حذر می‌کنند احمق‌ها شتاب می‌کنند. شاید این طور باشد، اما پولس رسول است، و شهرت خوب کلیسا و گواهی آن در معرض خطر است، و نمی‌توان این مسئله را لاپوشانی کرد.

حال پولس چه می‌کند؟ عظیم‌ترین بحث الهیاتی را که در توانش است وارد بازی می‌کند: تجسد پسر ابدی خداوند. عیسی، «چون در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد»، شاید به این معنا که از جسم شدن سربازنزد تا فروتر شدن در تجسدش را بپذیرد (فیلیپیان ۲: ۶). با اینکه عیسی، همانطور که اعتقادنامه‌ی نیقیه ۳۲۵ میلادی، می‌گوید، «خود خدا از خدا بود، مولود و نه مخلوق، در ذات با پدر یکی و همه چیز از او آفریده شده»، ولی او «خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت» (آیه ۷). اصطلاح «خالی کرد» خطر فراوانی برای الهیات دارد و به همین دلیل در بسیاری از ترجمه‌ها به طور تحت‌اللفظی برگردانده نشده و به جایش از تعبیر دیگری استفاده شده است (مثلاً «خود را گمنام کرد» ترجمه کینگ جیمز).

بخش مورد بحث ارزش بررسی بیشتری دارد، و در عین حال باید بر نکته‌ی مد نظرمان تأکید کنیم. پولس می‌خواهد فیلیپیان (و من و شما) همان ذهنیت عیسی را از خود بروز دهیم: «و هریک از شما ملاحظه‌ی کارهای خود را نکنند، بلکه هرکدام کارهای دیگران را نیز. پس همین فکر در شما باشد که در مسیح عیسی نیز بود» (آیه ۴-۵). در اینجا از آموزه‌ی عظیم تجسد به سود ابراز فروتنی استفاده شده؛ «راستی که در دینداری است» (تیطس ۱: ۱).

دوم، در قرنتس. پولس می‌خواهد به کلیسای رنج دیده‌ی اورشلیم کمک رسانده شود و مدتی است که مشغول این فکر است (دوم قرنتیان ۹-۸). از چه مشوقی برای تشویق به کمک‌های سخاوتمندانه بهره بگیرد؟ به ویژه، چنین مشکلی که می‌تواند «اصالت» ایمانشان را اثبات می‌کند (۸: ۸ و ۲۴). در جایی تقریباً به نظر می‌رسد که به غرور مخاطبان متوسل می‌شود: قرنتیان نمی‌خواهند از کلیساهای شمال عقب بیفتند (۹: ۵-۱). ولی استدلال کلیدی او یک استدلال الهیاتی است: «زیرا که فیض خداوند ما عیسی مسیح را می‌دانید که هرچند دولت‌مند بود، برای شما فقیر شد تا شما از فقر او دولت‌مند شوید» (۸: ۹). بار دیگر از تجسد به نفع موضوعی عملی استفاده شده است.

سوم، در رم. پولس پس از آنکه یازده فصل درباره‌ی ماهیت و عملکرد انجیل مطلب نوشت، دینداری عملی را به وضوح به تصویر کشید: شما (مسیحیان کلیسای رم) «به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید» (رومیان ۱۲: ۱-۲). کلیت رساله‌ی پولس به رومیان با هدف دینداری عملی نوشته شده است: نشان دادن محبت برادرانه (آیات ۹-۱۰)، خود را از تنبلی رهایی دادن (آیه ۱۱)، صبوری کردن در مصائب (آیه ۱۲)، نیازهای مقدسین را با مهمان‌نوازی برآورده کردن (آیه ۱۳)، اجتناب از ظاهرنامایی و فخرفروشی (آیه ۱۶)، انجام اعمال نیکو (آیه ۱۷)، صلح حداکثری با همسایگان (آیه ۱۸)، غذا دادن به دشمن خود (آیات ۲۰-۱۹)، و انتقام نگرفتن از نامهربانی‌های دیگران (آیه ۲۱). از این عملی‌تر نمی‌شود.

ولی پولس فقط همان حکمتی را که در نجات‌دهنده‌اش دیده بود به اجرا می‌گذاشت. الهیات تا چه پایه کاربردی است؟ موعظه‌ی سر کوه را که عیسی به طور کامل به زندگی روزمره می‌پردازد در نظر بگیرید. دیدگاه عیسی راجع به تقدس جنبه‌ی فیزیکی دارد. عیسی از دست و چشم و پا و لب سخن می‌گوید. منظورش این است که ما از بدن خود یا برای گناه کردن و یا برای ابراز تقدس استفاده می‌کنیم. مثلاً، در موضوع شهوت می‌گویید باید به جای گناه کردن با چشم راست و یا دست راست، چشم را از کاسه درآوریم و دست را ببریم (انجیل متی ۵: ۳۰-۲۷).

آیا به اضطراب دچار هستید؟ آیا نگران تأمین مایحتاج زندگی روزمره هستید به نحوی که نشان از عدم توکل به پدر آسمانی باشد؟ پس به پرندگانی که هر روز در حیاط شما پرواز می‌کنند نگاه کنید. سالم و قوی به نظر می‌رسند. خداوند مراقب آنهاست. به علاوه، ارزش شما برای او بیشتر است (انجیل متی ۶: ۳۴-۲۵). آیا اهل قضاوت کردن هستید به نحوی که از دیدن گناه دیگران مشعوف می‌شوید و در توصیفشان مبالغه می‌کنید؟ به خود بگویید: «فقط به خاطر فیض خداست که مرتکب این گناه نمی‌شوم!» (نگاه کنید به ۷: ۶-۱). با انسان‌ها با احترام برخورد کنید، همانطوری که انتظار دارید دیگران با شما برخورد کنند. بر اساس قانون طلایی زندگی کنید (آیه ۱۲).

مسئله‌ی هدایت را در نظر بگیرید. عیسی چنین وعده می‌دهد: «زیرا هر که سوال کند، یابد و کسی که بطلبد، دریافت کند و هر که بکوبد برای او گشاده خواهد شد» (آیه ۸). بنا به وعده‌ی مزبور بیست و سوم، «او مرا هدایت می‌کند» (آیه ۲). فعل مذکور در این آیه نشان می‌دهد که پدر آسمانی ما، آن چوپان-پادشاه، حکمت و تشخیص لازم برای اخذ تصمیم درست جهت پیش بردن این زندگی به نحوی که او را جلال دهد به ما عطا می‌کند. پدر ما را محبت می‌کند و قرار نیست محبتش متوقف شود. عهد او نشان‌دهنده‌ی آن است که سخنش قابل اتکاست. اما او ما را «در راه درست» هدایت می‌کند (آیه ۳) و به گمراهی و شرارت نمی‌کشاند. او هیچگاه ما را در مسیر اعمال نادرست یا گناه قرار نمی‌دهد. کسانی که گمراه می‌شوند خودشان به کلام او گوش نمی‌دهند، حکمت را نمی‌طلبند، یا تسلیم انتخاب‌هایی می‌شوند که بهترین گزینه نیستند.

وضوح و مشیت

الهیات تا چه اندازه کاربردی است؟ دو آموزه را در نظر بگیرید: وضوح و مشیت.

وضوح در الهیات اشاره به این حقیقت دارد که مسیحیان «عادی» می‌توانند خودشان کتاب مقدس را مطالعه کنند، و به کمک وسایل مناسب (واعظان، ابزارهای کمکی برای مطالعه کتاب مقدس، معلمین، تفسیرها، و حتی تیبل تاک) می‌توانند به درکی «کافی» (گرچه نه لزوماً جامع) از «چیزهایی که دانستنشان برای رسیدن به رستگاری لازم است» دست پیدا کنند (اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر ۱: ۷). البته این نکته در کلیسای قرون وسطی محل تردید بود، چرا که در آن زمان کتاب مقدس عمدتاً در دسترس مردم عادی نبود و به زبانی بود که فقط روحانیون درک می‌کردند، و از آن به عنوان یوغی برای وابسته نگه داشتن مردم به مرجعیت پاپ و کلیسا استفاده می‌شد.

آموزه‌ی وضوح کتاب مقدس ما را تشویق می‌کند آن را دوست داشته باشیم، اغلب به مطالعه‌اش پردازیم، و برداشت‌هایمان را تبدیل به اعمال مشهود و ملموس کنیم. این آموزه به ما می‌گوید شبیه به آن ایمانداران برجسته در بیریبه باشیم که لوقا در توصیفشان می‌گوید: «در کمال رضامندی کلام را پذیرفتند و هر روز کتب را تفتیش می‌نمودند که آیا این همچنین است» (اعمال ۱۷: ۱۱).

مشیت چیست؟ این اصطلاح در کتاب مقدس به کار نرفته، ولی یکی از حقایق اساسی مسیحیت است. اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر مشیت را این گونه تعریف می‌کند:

خداوند، خالق اعظم تمامی چیزها، تمامی مخلوقات را می‌بیند، هدایت می‌کند، جهت می‌دهد و بر آنها حکمرانی می‌کند، از اعمال گرفته تا چیزها، از بزرگترین‌ها تا حتی کوچکترین‌ها، و این کارها را بنا به حکمت و مشیت مقدسش انجام می‌دهد، بنا به دانش قبلی و شکست‌ناپذیرش و اراده‌ی آزاد و تغییرناپذیرش، تا جلال حکمت، قدرت، عدالت، نیکی و رحم او ستوده شود. (۵). (۱)

در فصلی از اعتقادنامه که به مشیت می‌پردازند مسائل نسبتاً دشواری مطرح شده است (مثلاً چستی کنترل تاریخ توسط خدا و ربط آن به اراده‌ی آزاد و شر)، ولی انگیزه‌ی اصلی از آن فصل این است که خواننده اطمینان بیابد که هیچ چیز بدون خواست قبلی خدا و جز به آن شکلی که خدا می‌خواهد اتفاق نمی‌افتد.

به طور خلاصه، این تعریف از مشیت بیان دیگری از سخن پولس در رومیان ۸: ۲۸ است: «و می‌دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و بحسب اراده‌ی او خوانده شده‌اند، همه‌ی چیزها برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشند» برای مادری که فرزندش را از دست می‌دهد، خواهری که خبر تومور بدخیم را می‌شنود، دانش‌آموخته‌ای که در اولین مصاحبه‌ی کاری رد می‌شود، و برای کسانی که در هزاران سناریوی دیگر هستند مشیت خدا یادآور آن است که با اینکه ما همه‌ی پاسخ‌ها را نمی‌دانیم ولی او می‌داند. به علاوه، زمانی که همه‌ی چیزها گفته و همه‌ی کارها کرده می‌شود، فقط همین‌ها بیشترین اهمیت را خواهند داشت. این آموزه با خود آرامش و صلح سرشاری را در میانه‌ی توفان زندگی به همراه می‌آورد. از این کاربردی‌تر نمی‌شود. همه‌ی ما تا حدی

الهی‌دان هستیم. مسئله‌ی اصلی این است که آیا الهی‌دان خوبی هستیم؟ آیا از شناخت خود از خدا در تمامی جنبه‌های زندگی خود و برای جلال خدا استفاده می‌کنیم؟

دکتر درک دابلیو. اچ توماس کشیش ارشد کلیسای فرست پرزبیتترین در کلمبیا، کارولینای جنوبی، و استاد تمام الهیات نظام‌مند و الهیات شبانی در دانشکده‌ی الهیات اصلاح‌شده است. او یکی از معلمین خدمات لیگونیر و نویسنده‌ی کتب فراوانی از جمله *How the Gospel Brings Us All the Way Home* است.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.